

هزینه فرصت

Opportunity Cost

مفهوم هزینه فرصت رابطه اساسی بین کمیابی و انتخاب را بیان می‌کند. اگر فعالیتی که برای فرد ارزشمند است، کمیاب نباشد، تمامی تقاضا برای همه افراد و برای تمامی دوره‌ها تامین خواهد شد. در این حالت نیازی به انتخاب کردن بین گزینه‌های متفاوت، و تعیین فرآیند بهینه تعیین اولویت برای تامین تقاضا وجود ندارد. ولی با وجود کمیابی، تمامی تقاضاها تامین نخواهد شد. به عبارت دیگر تا زمانی که محدودیت‌های طبیعی تخصیص منابع وجود دارد؛ کمیابی، انتخاب بین گزینه‌های مختلف را ضروری می‌سازد. در حقیقت خود انتخاب برابر است با رد کردن گزینه‌های دیگر و هزینه فرصت ارتباط تنگاتنگی با فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب دارد. انتخابگر و تصمیم‌گیرنده در لحظه تصمیم‌گیری و پیش از آن که تصمیم بگیرد، در ذهن خود فرصت‌هایی را که با این تصمیم از دست می‌دهد ارزیابی می‌کند؛ بنابراین این ارزیابی ذهنی، به شخص تصمیم‌گیرنده قائم است و از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند (لیپسی و هاربری، ۱۳۷۸: ص ۲۷). هزینه فرصت، مقدم بر تصمیم‌گیری و مؤثر بر آن است و در تجزیه و تحلیل فرایند انتخاب در رتبه اول آن قرار می‌گیرد.

اگر یک فرد و یا یک بنگاه، از میان چندین انتخاب متفاوت یکی را برگزیند، هزینه فرصت این فرد یا بنگاه، معادل است با هزینه مرتبط با بهترین انتخاب ممکن از بین سایر انتخاب‌های باقی‌مانده که از آن صرف نظر شده است. البته بیشتر اوقات در اقتصاد، هزینه فرصت در پروژه‌های اقتصادی مطرح می‌گردد و هدف اصلی از طرح آن نیز بررسی تخصیص بهینه منابع موجود است. مفهوم هزینه فرصت نقش مهمی را در تضمین اینکه منابع کمیاب به صورت کارا مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا نه، بازی می‌کند (منکیو، ۱۹۹۷: ص ۶). بنابراین هزینه فرصت محدود به هزینه‌های پولی و یا مالی نمی‌شود و هر چیزی که دارای

ارزش باشد و از آن صرف نظر شده باشد، می‌تواند به عنوان هزینه فرصت تلقی شود. از آن جمله می‌توان به هزینه واقعی محصول صرف نظر شده، زمان و یا لذت از دست رفته اشاره کرد.

هزینه فرصت از دست رفته با واحدهای اندازه‌گیری فیزیکی سنجیده می‌شود نه پول. در واقع برخی اوقات برای متمایز نمودن بین هزینه فرصت‌های از دست رفته و هزینه پولی، می‌توان اصطلاح هزینه حقیقی فرصت‌های از دست رفته را به کار برد (منکیو، ۲۰۰۸: ص ۵۴)؛ که همان ارزش واقعی کالای چشم پوشی شده است (گرچه آن را با پول نمی‌سنجند اما به این علت که ما ارزش کالاهای فدا شده را با پول می‌سنجیم به مجرد شنیدن قیمت یک چیز تلویحاً اقدام به مقایسه هزینه فرصت‌های از دست رفته با پول می‌کنیم ولی در واقع واحد هزینه فرصت ارزش ذهنی است نه پولی). به دلیل این که هزینه فرصت به معنای چشم پوشی از مقادیر کالای دیگر است و باید آن کالای چشم پوشی شده ارزشی داشته باشد، بدین ترتیب هزینه فرصت معمولاً هزینه‌ای مثبت است. البته در شرایطی مانند؛ کالای رایگان، عوامل تولیدی که بیش از یک مورد مصرف ندارند و بیکاری عمومی، هزینه فرصت صفر است (لیپسی و هاربری، ۱۳۷۸: ص ۲۸). در ادامه به توضیح موارد استثناء می‌پردازیم.

کالای رایگان: تعداد کمی کالا وجود دارند که طبیعت به وفور در دسترس ما قرار می‌دهد و در نتیجه مصرف‌شان متضمن هیچ گونه هزینه فرصت از دست رفته‌ای نیست. در بسیاری از روستاها میوه‌های وحشی گوناگونی در جنگل‌ها و کنار پرچین‌ها رشد می‌کنند. تنها کاری که فرد برای بدست آوردن میوه باید انجام دهد آن است که این میوه‌ها را بچیند. از آن جایی که این میوه‌ها روی زمین‌هایی که بتوان از آنها برای مقاصد دیگر بهره‌گرفت عمل نمی‌آیند، تولیدشان نیز توسط طبیعت، مستلزم چشم پوشی از محصولات دیگر نیست (گرچه شاید وقتی که برای چیدن میوه گذاشته می‌شود می‌تواند هزینه فرصت آن باشد). یک

مثال دیگر می‌تواند اکسیژن هوا باشد. تنفس اکسیژن متضمن هزینه‌ای واقعی نیست، برای آن که (حداقل در حال حاضر) اکسیژن به وفور برای تنفس در دسترس همه می‌باشد. در واقع با مصرف اکسیژن، فرصت دیگری که می‌توانست برای مقاصد دیگر بکار رود را از دست نمی‌دهیم.

عوامل تولیدی که یک مورد استفاده بیشتر ندارند: هزینه فرصت از دست رفته زمانی مثبت خواهد بود که منابع مورد استفاده در تولید، دارای امکانات متعددی باشند. لذا جایی که چنین امکانات متعددی وجود ندارد، هزینه فرصت از دست رفته نیز وجود نخواهد داشت. این قبیل مثال‌ها اکثراً شامل تجهیزات سرمایه‌ای است که اغلب یک مورد استفاده بیشتر ندارند. مثلاً یک نیروگاه آبی فقط می‌تواند برق تولید کند و نه چیز دیگر؛ از یک معدن ذغال‌سنگ یا می‌توان ذغال‌سنگ استخراج کرد و یا باید آن را بی‌استفاده گذاشت. منابعی که یک مورد استفاده بیشتر ندارند، را عوامل ویژه تولید می‌نامند. البته منابعی که برای فراهم آوردن این گونه سرمایه‌های ویژه بکار رفته‌اند، در گذشته دارای موارد استفاده متعددی بوده‌اند، اما از هنگامی که فراهم آمده‌اند، دیگر فقط همین یک مورد استفاده را دارند.

بیکاری عمومی: هزینه فرصت معلول امکان استفاده‌های گوناگون از عوامل تولید است. وقتی از یک عامل تولید، برای تولید کالایی استفاده می‌شود، دیگر نمی‌توان آن عامل را برای تولید کالای دیگر به کار برد. بنابراین مثلاً اگر عوامل تولیدی که تا کنون برای ساختن مدارس استفاده می‌شد، امروز در ساختن بیمارستان بکار گیریم، هزینه‌های فرصت از دست رفته را می‌توان براساس تعداد مدرسه در ازای ساختن هر عدد بیمارستان، بیان نمود. حال اگر در موردی با کارگران ساختمانی بیکار و جرتفیل، آجر و سایر مصالح بلا استفاده مواجه باشیم، می‌توان بدون آنکه مجبور باشیم مدارس (یا هر چیز دیگر) کمتری بسازیم، اقدام به ساختن بیمارستان بنماییم. باید توجه داشت که این حالت خاص

زمانی است که کلیه عوامل تولید بیکار باشند و یا به عبارت دیگر بیکاری عمومی حاکم باشد. یعنی در مثال مذکور هنگامی این حالت خاص اتفاق می‌افتد که، تمامی عوامل تولید مورد نیاز برای ساختن بیمارستان بیکار باشند. لذا هزینه فرصت‌های از دست رفته استفاده از موارد مذکور صفر می‌باشند.

تفاوت هزینه فرصت با هزینه حسابداری

هزینه فرصت با هزینه حسابداری تفاوت دارد. هزینه حسابداری به دست آوردن یک چیز، پولی است که برای آن می‌پردازیم، ولی هزینه فرصت چیزهایی است که می‌توانستیم با آن پول به دست آوریم ولی از آن چشم پوشی می‌کنیم (نظری، ۱۳۹۲: ص ۱۰۷). هزینه فرصت بر انتخاب یک پروژه اثر می‌گذارد و اجرای آن پروژه سبب پدید آمدن هزینه حسابداری می‌گردد.

تصور می‌کنیم که اقتصاددانان و مدیران از مفهوم هزینه دارند و در تحلیل‌های خود استفاده می‌کنند با مفهومی که حسابداران از هزینه دارند متفاوت است. هزینه‌ها باید از دید اقتصادی محاسبه شوند تا بتوان براساس آن تصمیم‌گیری کرد. از دید اقتصادی هزینه هر کالا یا خدمتی همه فرصت‌ها و یا امکاناتی است که از دست می‌دهیم تا آن کالا یا خدمت را تولید کنیم (ابونوری، ۱۳۹۱: ص ۴۷۶). لذا افراد هنگام انتخاب از تحلیل هزینه‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. برای روشن‌تر شدن تفاوت هزینه فرصت و هزینه‌های حسابداری به مثال‌های زیر توجه کنید.

اگر فردی بخواهد درس بخواند، هزینه‌های درس خواندن شامل هزینه شهریه، هزینه کتاب، خودکار و کرایه ماشین تا دانشگاه می‌باشد که به این نوع هزینه‌ها، هزینه‌های آشکار یا صریح درس خواندن گفته می‌شود ولی علاوه بر هزینه‌های آشکار، درس خواندن هزینه‌های پنهان یا ضمنی نیز دارد، هزینه پنهان درس خواندن فرد، زمانی است که از

و او یکی را انتخاب کند، هزینه فرصت او، بهترین انتخاب از بین انتخاب‌های باقی‌مانده خواهد بود. هزینه فرصت یا هزینه فرصت از دست‌رفته هر تصمیم یا انتخاب برابر است با بالاترین فرصت یا فایده از دست‌رفته ناشی از انتخابی که می‌توانست بجای انتخاب مزبور با صرف همان مقدار منابع و زمان به کار رفته صورت گیرد. این تحلیل (هزینه فرصت)، مبنای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می‌باشد.

کتاب‌شناسی

- ابونوری، عباسعلی (۱۳۸۸). اقتصاد خرد. جلد دوم. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- لیسی، ریچارد جی؛ هاربری، کالبن (۱۳۷۸). اصول علم اقتصاد. ارشاد فکری، مشهد، نیکا، چاپ اول.
- نظری، محسن (۱۳۹۲). مبانی علم اقتصاد، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- Mankiw, N. Gregory (1997). Principles of Economics. South-Western Cengage Learning.
- Mankiw, N. Gregory (2008). Principles of Microeconomics. South-Western Cengage Learning.

محسن نظری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

دست می‌دهد. مثلاً اگر فرد به دانشگاه نمی‌رفت، می‌توانست در جایی کار کند و درآمدی به دست آورد. اکنون به دلیل تحصیل، آن درآمد را از دست داده است، بنابراین آن درآمد نیز باید جزء هزینه‌های درس خواندن فرد منظور گردد (منکیو، ۱۹۹۷: ص ۷). در حسابداری فقط هزینه‌های آشکار مدنظر قرار می‌گیرد ولی در علم اقتصاد، هم هزینه‌های آشکار و هم هزینه‌های پنهان باید در تصمیم‌گیری‌ها، مدنظر قرار گیرد. هزینه‌های آشکار، همان هزینه‌هایی است که بابت آن باید پرداختی (پول) انجام دهیم ولی هزینه‌های پنهان هزینه عوامل تولیدی است که متعلق به خود فرد است.

به عنوان مثالی دیگر؛ فرض کنید زمینی دارید که هزینه نگهداری ندارد، یعنی احتیاج به نگهداری ندارد. اگر شما بخواهید زمین را یک سال نگهداری کنید، هزینه‌های نگهداری زمین چه مقدار است؟ از نظر حسابداری، هزینه‌های نگهداری زمین صفر است زیرا بابت نگهداری آن پولی نمی‌پردازید. یعنی نگهداری زمین هزینه‌های آشکار ندارد، ولی هزینه‌های پنهان نگهداری دارد (ابونوری، ۱۳۹۱: ص ۱۷۴). مثلاً فرض کنید می‌توانستید زمین را سالانه یک میلیون تومان اجاره دهید، اکنون به دلیل نگهداری زمین یک میلیون تومان را از دست داده‌اید، پس هزینه پنهان نگهداری زمین یک میلیون تومان است. یا فرض کنید که ارزش زمین بیست میلیون تومان است و نرخ بهره نیز ده درصد است، شما می‌توانستید زمین را بفروشید و در بانک سپرده‌گذاری کنید و دو میلیون تومان بدست آورید، پس هزینه پنهان نگهداری زمین دو میلیون تومان می‌شود. البته دقت کنید که هزینه پنهان بهترین فرصتی است که از دست می‌دهیم، مثلاً اگر بتوانیم زمین را اجاره دهیم و یا بفروشیم، هزینه پنهان نگهداری زمین دو میلیون است نه یک میلیون تومان حاصل از اجاره. بنابراین در حالی که هزینه‌های حسابداری صفر است، هزینه اقتصادی مخالف صفر می‌باشد. اگر تعداد انتخاب‌های ممکن برای این شخص بیشتر از دو مورد باشد